

انتخابات دوره هفتم مجلس ارتجاع را تحریم می کنیم

بولتن خبری ایران نبرد(283)- چهارشنبه 1 بهمن 1382 - 21 ژانویه 2004

<http://www.iran-nabard.com>

اخبار، گزارشها و تحلیلها - ایران و تحولات عراق
اخبار کارگران و مزد بگیران ایران را در ایران نبرد بخوانید

بیانیه «تحریم انتخابات و برگزاری فراندوم تنها گزینه مردمی» را در آدرس زیر ببینید و در صورت تمایل آن را امضا کنید

<http://www.iransocialforum.org/>

رد صلاحیتها

عضو حقوقدان شورای نگهبان: در رسیدگی قانونی شورای نگهبان، تاکنون دوستان تن از افراد تایید صلاحیت شدند

سه شنبه 30 دی 1382 - 20 ژانویه 2004

عضو حقوقدان شورای نگهبان گفت: تاکنون در بازنگری پرونده ها 200 تن از افراد را تایید صلاحیت کرده ایم و این روند ادامه خواهد داشت و در این مسیر، تنها به تکلیف قانونی خود می اندیشیم. به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، عباس کدخدایی گفت: پرونده های افراد عدم احراز و رد صلاحیت شده در هیات های اجرایی و نظارت، با تلاش اعضای شورا، مورد بازنگری قانونی قرار گرفته و اینک با دقت ادامه دارد که این موارد به تدریج به اطلاع خود افراد خواهد رسید. وی افزود: با تکلیفی که رهبر معظم انقلاب برای ما ایجاد کرده اند موظف به "سرعت بخشیدن" به رسیدگی قانونی شدیم و این کار را انجام خواهیم داد. کدخدایی تاکید کرد: ما براساس دستور صریح قانون، موظف به بازنگری در پرونده ها هستیم و به مداخله های استعمارگران خارجی توجهی نداریم. وی افزود: امروزه چهره حقوق بشری که غربیها در خاورمیانه ارائه می دهند، مورد باور مردم و متفکران جهان نبوده و کسی آنها را مدافع حق مردم نمی شناسد، این گوه دخالت های بیگانگان، مربوط به دوران گذشته است که آنها برای ملت ما نماینده معرفی کردند آنها باید فهمیده باشند که بیست و پنج سال قبل پرونده استقلال ملت ایران، باز شده است. وی در پایان تاکید کرد: کسانی که تصور می کنند با حمایت غربی ها می توانند از ملت ایران و نهادهای قانونی، باج بگیرند اشتباه می کنند. پایان پیام

بیانیه شماره 10 نمایندگان متحصن در مجلس شورای اسلامی

سه شنبه 30 دی 1382 - 20 ژانویه 2004

بیانیه شماره 10 نمایندگان متحصن در مجلس شورای اسلامی قرائت شد. به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، متن کامل این بیانیه به شرح ذیل است:

ملت شریف و آگاه ایران

نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی امروز دهمین روز تحصن خود را در حالی سپری می کنند که علیرغم تاکید مسئولان نظام بر استیفای حقوق ملت از طریق تایید صلاحیت کسانی که غیرقانونی رد صلاحیت شده اند، هنوز حرکت و پاسخ روشنی مشاهده نکرده اند و علیرغم تلاش برای سانسور خبری تحصن، نه تنها از آگاهی مردم نسبت به اهداف این تحصن کاسته نشده، بلکه خوشبختانه روز به روز شاهد اعلام همدلی و همبستگی قشرهای گوناگون ملت و نهادهای مدنی با حرکت قانونی و آرام نمایندگان متحصن هستیم. از آنجا که اعلام و انتشار خواسته های به حق و قانونی ما می تواند، برخی تبلیغات ناصوابی را که علیه تحصن صورت می گیرد، خنثی ساخته و حربه را از دست کسانی که می خواهند این حرکت را لوٹ نموده و به طرق گوناگون آن را تحمل نکنند می گیرد، لازم می دانیم خواسته های خود را به صورتی روشن تر و صریح تر با ملت در میان بگذاریم و در این برهه، اطلاع رسانی صحیح درباره این اهداف و خواسته ها را بزرگترین خدمت به ملت می دانیم و در خلاء و سکوت خبری رسانه ملی و رسمی کشور، مردم بهترین و موثرترین نقشی را در رساندن این پیام می توانند ایفاء نمایند، زیرا معتقدیم استیفای حقوق ملت در گرو مشارکت، همفکری و استفاده از روشهای قانونی و مسالمت آمیز توسط مردم و نهادهای مدنی است.

ملت عزیز ایران

متأسفانه براساس اطلاعات، مدارک و شواهد موجود، نحوه رد صلاحیتها در 28 استان کشور کاملاً جهت دار و براساس برنامه ای از پیش تعیین شده صورت گرفته است، که نتیجه آن محروم کردن قریب نیمی کاندیداها از رقابت انتخاباتی در بیش از 180 کرسی مجلس است و تنها امکان رقابت بین

داوطلبان آن هم به شکلی بسیار ضعیف فقط بر سر ۱۰۵ کرسی باقیمانده صورت می‌گیرد که در بسیاری از این حوزه‌ها نیز نحوه چینش داوطلبان به شکلی است که نمایندگان محافظه کار به مجلس راه یابند، لذا ادامه چنین روندی، قطعاً فرصت انتخاب را از مردم سلب نموده و اصل جمهوریت نظام را زیر سوال می‌برد، بنابراین چنین انتخاباتی مخدوش و غیرقانونی و محکوم به بطلان است، در این شرایط راه حفظ مشروعیت نظام، تجدیدنظر اساسی در نحوه نظارت بر انتخابات است، اکنون دلیل اصرار مجلس ششم و دولت بر اصلاح قانون انتخابات و مقاومت‌های صورت گرفته در مقابل آن بیش از پیش بر همگان روشن شده است، ما می‌خواستیم که نظام در آینده با چنین چالش‌هایی روبرو نگردد، ولی به هر تقدیر امروز راه برون رفت از این مرحله را پایداري بر اجرائی قانون، از طریق راه‌هایی که در ادامه خواهد آمد، می‌دانیم، زیرا مجلسی که پیش از انتخابات، سرنوشت بیش از دوپست کرسی آن توسط هیات‌های نظارت تعیین شده، روشن است که ترکیب آن به نفع جریانی خاص در کشور شکل می‌گیرد، جریانی که سابقه عملکرد آن بر مردم معلوم است و قطعاً این مجلس غیرقانونی و غیرمردمی بوده و مشارکت مردم و نهادها و گروه‌های سیاسی و مدنی را با خود نخواهد داشت.

لازم است بدانیم تعداد داوطلبان این دوره بیش از هشت هزار تن بوده‌اند که ۲۴۰۵ تن آنان دارای هیچ گونه سابقه‌ای در مراجع چهارگانه نبوده‌اند، ۱۸ درصد رد شدگان تحت عنوان "عدم احراز صلاحیت" و ۲۲/۴۱ درصد به استناد بند ۱ ماده ۲۸ و ۲۳/۸۹ درصد به استناد بند ۳ ماده ۲۸ و ۱۰/۹۸ درصد به استناد بند ۵ ماده ۲۸ و حدود ۱۵ درصد نیز تحت عناوین دیگر رد صلاحیت شده‌اند که بیشترین فراوانی استناد برای رد صلاحیت "عدم احراز صلاحیت" و بندهای "۱" و "۳" ماده ۲۸ و "بند ۵ ماده ۳۰" تشکیل می‌دهد.

حال با توجه به آنچه آمد و صراحت مصوبه ۷۸/۹/۷ و ماده واحده مصوب ۷۸/۸/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر می‌دارد رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون و براساس مدارک، دلایل و اسناد معتبر باشد، اعلام می‌داریم:

۱- از آنجا که "عدم احراز صلاحیت" به دلیل فقد مدارک، نه "مستند قانونی" دارد و نه متکی به "دلایل و مدارک معتبر" است، بنابراین هم به دلیل قانونی و بدهاقت حقوقی آن و هم به دلیل منطقی، نافذ نبوده و محکوم به بطلان است.

در این موارد که مستند قانونی مفقود و دلایل و مدارک معتبر نیز اساساً وجود ندارد، "رد" موضوعیت پیدا نمی‌کند زیرا یا مبنای عمل "اصل برائت" است که باید آنان را تایید نمود و یا چنان که در دیدار شورای نگهبان با مقام معظم رهبری بیان شد، می‌بایست مبنای عملی متکی به "عرف" باشد و از آنجا که هیات‌های اجرائی مرکب از معتمدین مردم‌اند و صلاحیت قانونی آنان نیز قبلاً به تایید رسیده، پس تایید این دسته از داوطلبان توسط هیات‌های اجرائی نافذ بوده و از این نظر نمی‌توان آنان را بدون "استناد قانونی" و به طریق اولی "فقد مدارک و دلایل معتبر" رد صلاحیت کرد. نتیجه آنچه صلاحیت این افراد که قبلاً مورد تایید قرار گرفته‌اند می‌بایست توسط شورای نگهبان برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی به وزارت کشور اعلام گردد.

۲- ۶۹/۱۳ درصد رشدگان به استناد ماده ۲۸ قانون انتخابات رد صلاحیت شده‌اند که ۳۲/۴۱ درصد آنان به استناد بند ۱ و ۲۳/۸۹ درصد آنان به استناد بند ۳ همین ماده می‌باشد. به عبارت دیگر ۵۶/۲ درصد داوطلبان به اتهام عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی و قانون اساسی رد صلاحیت شده‌اند. از آنجا که این دسته نیز نه بر اساس ادله و مدارک معتبر، بلکه بر اساس نفوذ سلیقه و نفوذ گرایش خاص سیاسی صورت گرفته و فی‌الجمله ایراد نسبت ناروا به داوطلبان بوده که اثبات آن نیازمند ادله و مدارک محکم و متقن و بعضاً حکم دادگاه صالحه است و تعالیم قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام به احادی اجازه نمی‌دهد که به سادگی کس یا کسانی را رومی به عدم اعتقاد و التزام به اسلام نماید، و عدم وفاداری به نظام و قانون اساسی نیز نیازمند مدارک و دلایلی است که قانوناً معتبر باشد. لذا صرف تفسیر نادرست و سلیقه‌ای از قانون و یا گزارش‌های محتمل و قانون تفسیر، به معنای فقد دلیل است و هرگز مجوزی برای رد صلاحیت نمی‌باشد.

بنابراین لازم است رد صلاحیت‌شدگان مستند به بندهای مذکور در این ماده نیز تایید صلاحیت شوند و در موارد بسیار نادر نیز چنان‌که گفته شد لازم است حکم دادگاه صالحه و مدارک و دلایل متقن که نه قابل انکار باشد و نه قابل تردید ارایه گردد، به نحوی که عقول جامعه آن را مورد تردید قرار ندهند.

۳- در مورد بند ۵ ماده ۲۸ و سایر مواد و بندهایی که برای رد صلاحیت بقیه داوطلبان نیز بدان استناد شده است که در موارد بسیاری سلیقه‌ای عمل شده است. به غیر از مواردی که "مدل به مدارک موثر و معتبری" است که از "مراجع چهارگانه" در حیطة وظیفه‌ی ذاتی و قانونی آنها واصل شده و "قانوناً" می‌تواند ملاک عمل باشد، در سایر موارد مجوزی برای رد صلاحیت وجود نداشته و غیرقانونی تلقی می‌گردد.

۴- در مورد نمایندگان تایید شده مجالس قبلی و فعلی و هم‌همی کسانی که يك بار تایید صلاحیت شده و پس از آن عدم صلاحیت آنها احراز نشده است نیز "اصل استصحاب" جاری است و در مواردی که ادعای خلافی وجود دارد باید "مورد خلاف" متکی به مدارک معتبری باشد که از جانب مراجع چهارگانه ارایه شده و طبق قانون نیز آن خلاف، موجب محرومیت فرد از حقوق اجتماعی مصرح در قوانین باشد. بنابراین کلیه کسانی که بدون دلیل و مدرک معتبر رد صلاحیت شده‌اند باید تایید شوند.

۵- ما از شورای نگهبان با توجه به مسوولیت قانونی خویش در پاسداری از قانون اساسی، می‌خواهیم خواسته‌های قانونی نمایندگان متحصن در خانه‌ی ملت را جدی گرفته و مورد توجه و عمل قرار دهد و به

علت زمان محدود پیش رو، از آنجا که تاخیر در اقدام عملی برای تحقق راه‌حل‌های سابق‌الذکر موجب از دست رفتن زمان برای حضور در رقابت‌های سالم و برگزاری عادلانه‌ی انتخابات می‌شود، نسبت به تسریع در اعلام نتایج اقدام کند. در همین جا ما با حمایت و پشتیبانی از مواضع روشن و قاطع شورای هماهنگی گروه‌های جبهه‌ی دوم خرداد و مجمع روحانیون مبارز که در جهت برون‌رفت از مسایل پیش رو می‌تواند بسیار موثر باشد، می‌خواهیم شورای نگهبان تا تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲ نسبت به بررسی و تحقق این خواسته‌ها اقدام نماید. اگر این خواست‌های روشن و قانونی تحقق پیدا نماید، نمایندگان متحصن به تحسن خود پایان خواهند داد. در غیر این صورت تحسن وارد مرحله‌ی جدیدی خواهد شد و بعد از آن ما آن شورا را به دلیل عدم توجه و سهل‌انگاری نسبت به حقوق مردم و داوطلبان، در مقابل ملت و نمایندگان آنان مسوول می‌دانیم.

۶- ما از رییس‌جمهوری و وزارت کشور می‌خواهیم در صورت عدم پذیرش راه‌های سابق‌الذکر و عدم تایید کلیه‌ی کسانی که غیرقانونی ردصلاحیت شده‌اند تا زمان مقرر در قانون، به منظور حفظ و پایداری از قانون اساسی و حقوق ملت یعنی حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، اسامی کلیه‌ی کسانی را که بدون "دلیل و مدرک" ردصلاحیت شده‌اند و مستندات قانونی رد بر آنان صدق نمی‌کند، رسماً در فهرست داوطلبان اعلام برای انتخابات درج کنند تا امکان انتخاب سالم و عادلانه - که جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی را تضمین می‌کند برای مردم فراهم گردد.

۷- ملت بزرگوار و آگاه ایران

ما با ابراز تشکر و قدردانی از شما و کلیه‌ی گروه‌ها، احزاب، شخصیت‌ها و نهادهای مدنی که با ارسال نامه و پیام و حضور در جمع متحصنین از آنان حمایت نموده‌اید و با تشکر از بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که در تایید و همراهی و همگامی با این تحسن منتشر گردیده و با سپاس از همدلی تمامی شهروندانی که در بیست و هشت استان کشور ابراز همدردی نموده‌اند به اطلاع می‌رسانیم خوشبختانه این رفتار قانونی و مسالمت‌آمیز نمایندگان شما در خانه ملت تا کنون دستاوردهای خوب و موثری را در پی داشته است و توجه همگان را نسبت به موضوع مهم "آزادی انتخابات" و "اصل جمهوریت نظام" در کنار "اسلامیت" آن جلب نموده است. ما معتقدیم ایجاد امید و اعتمادسازی در میان مردم برای اصلاحات و اصلاح‌طلبان و گروه‌های جبهه‌ی دوم خرداد و همگرایی میان تمامی اصلاح‌طلبان از نتایج بزرگ این اعتراض مدنی است؛ زیرا باور داریم می‌توان بر اساس حرکت‌های قانونی و مسالمت‌آمیز امید به فرادهای بهتر را در سایه‌ی نظام جمهوری اسلامی رقم زد.

ما بار دیگر ضمن تاکید بر بهره‌گیری از روش‌های قانونی و مسالمت‌آمیز و ادامه‌ی تحسن خویش اعلام می‌داریم خواسته‌های قانونی مذکور ضامن مردم‌سالاری دینی است. انتخابات آینده باید بتواند رفتار نهادهای حاکمیتی و هرم مدیریت جامعه را با اراده و خواست ملت که به فرموده‌ی امام راحل تجلی آن در مجلس است منطبق نماید؛ زیرا هویت ملی، با مجلس متکی به آرای ملت شکل می‌گیرد و مجلسی در رأس امور است که تکیه‌گاه آن گستره‌ی اعتماد مردم و حاصل مشارکت گسترده‌ی آحاد ملت باشد.

وماتوفیق الابالله العلی العظیم

نمایندگان متحصن در مجلس شورای اسلامی

۱۳۸۲/۱۰/۳۰

انتهای پیام

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

سیدعبدالعزیز حکیم اعلام کرد: در صورت عدم امکان برگزاری انتخابات در عراق، راهکارهای دیگر بررسی خواهد شد.

سه شنبه 30 دی 1382 - 20 ژانویه 2004

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از شبکه‌ی خبری الجزیره، سیدعبدالعزیز حکیم رییس مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق، اظهار داشت: از مطالبات آیت الله سیستانی، مبنی بر برگزاری انتخابات در عراق حمایت می‌کنیم.

وی همچنین از سازمان ملل جهت بررسی احتمال برگزاری انتخابات در عراق، درخواست کرد که هیات‌ی به این کشور اعزام کند.

سیدعبدالعزیز حکیم تصریح کرد: آیت الله سیستانی و ما خواستار آن هستیم که سازمان ملل برای بررسی مساله‌ی برگزاری انتخابات، هیات فنی و تخصصی به عراق اعزام کند و این هیات با نمایندگان شورای حکومت انتقالی عراق و نیز آیت الله سیستانی دیدار و گفت‌وگو کند.

انتهای پیام

مقام‌های عالی رتبه‌ی شورای حکومت انتقالی عراق و اعضای حکومت آمریکایی از حضور سازمان ملل متحد در عراق استقبال کردند.

سه شنبه 30 دی 1382 - 20 ژانویه 2004

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از دفتر اطلاع‌رسانی سازمان ملل متحد در تهران، پل برمر، حاکم آمریکایی عراق پس از دیدار با کوفی عنان در مقر این سازمان در نیویورک گفت: فکر می‌کنم همگی در خصوص اهمیت از سرگیری نقش سازمان ملل در عراق اتفاق نظر داشتیم. برمر افزود: شورای حکومته و حکومت ائتلافی امیدوار است سازمان ملل برای ایفای نقش خود در عراق به این کشور بازگردد و امیدوارم این اتفاق هرچه سریع‌تر رخ دهد. جرمی گرین استاک، نماینده‌ی انگلیس در عراق نیز گفت: ما نیز از این که حکومت انتقالی در مذاکرات مستقیم با سازمان ملل متحد شرکت کرد، بسیار خوشحالیم. جای سازمان از حادثه‌ی ماه اوت به بعد در عراق خالی است. ما می‌خواهیم سازمان ملل نقش کامل و مستقلی در دوران انتقالی برعهده گیرد. سازمان ملل می‌تواند نقش بی‌طرف و ناظر هدفمند در کل روند انتقال را داشته باشد. عدنان پاچه‌چی، رییس شورای حکومت انتقالی عراق نیز در کنفرانس خبری جداگانه‌ی پی از حضور سازمان ملل در روند سیاسی، اقتصادی و فعالیت‌های انسان دوستانه استقبال کرد. وی گفت: ما از دبیرکل می‌خواهیم نماینده‌ی ویژه‌ای منصوب کند و هرچه سریع‌تر تیمی را راهی عراق نماید، تا امکان و احتمال برگزاری انتخابات برای شورای قانونگذاری را بررسی کند. پاچه‌چی افزود: امیدواریم که سازمان ملل نقش فعالی داشته باشد. این امید همه‌ی ما است و من خوشبین هستم و فکر می‌کنم این امر اتفاق می‌افتد. عبدالعزیز حکیم از اعضای شورای حکومت انتقالی عراق نیز گفت آیت‌الله سیستانی خواستار برگزاری انتخابات مستقیم است و می‌خواهد یک کمیته‌ی فنی برگزاری انتخابات در عراق را بررسی کند. انتهای پیام

شیکه‌ی خبری الجزیره از تظاهرات گسترده‌ی دهها هزار تن از مردم بغداد در اعتراض به فدرالی شدن عراق خبر داد.

سه شنبه 30 دی 1382 - 20 ژانویه 2004

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرنگار الجزیره در بغداد اظهار داشت: دهها هزار تن از شیعیان بغداد امروز (دوشنبه) از مناطق مختلف و در اعتراض به نظام فدرالی عراق و نیز سیاست‌های آمریکا در این کشور، تظاهرات گسترده‌ی برگزار کردند. تظاهرکنندگان، هم‌چنین در این تظاهرات با سردادن شعارهایی ضمن محکوم کردن ایجاد هرگونه نظام فدرالی در عراق، خواهان محاکمه‌ی سریع صدام در عراق شدند. تظاهرکنندگان با حمل پلاکاردهایی، ضمن حمایت از مطالبات مراجع دینی جهت برگزاری انتخابات اظهار داشتند که این حق باید به مردم عراق داده شود. در این تظاهرات بسیار گسترده، تظاهرکنندگان شعارهایی ضدآمریکایی سر دادند و هم‌چنین با سردادن شعارهایی، خواهان برگزاری انتخابات در عراق شدند. انتهای پیام

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 30 دی 82

بی بی سی - سه شنبه 30 دی 1382 - 20 ژانویه 2004

تظاهرات مردم عراق در پشتیبانی از آیت الله سیستانی و مبارزات انتخاباتی اصلاح طلبان و محافظه کاران مهمترین عنوان های روزنامه های صبح و عصر تهران را تشکیل می دهند. یاس نو با عنوان « انسجام اصلاح طلبان سناریوی مخالفان را خنثی کرد»، آفتاب یزد با تیتر « رقابت برابر یا انصراف اصلاح طلبان»، شرق با تیتر « تردید روحانیون مبارز برای شرکت در انتخابات»، و جمهوری اسلامی با عنوان « گردانندگان نمایش تحصن در صدد به تأخیر انداختن انتخابات هستند» به رویارویی انتخاباتی در صحنه سیاسی ایران پرداخته اند. کیهان بی هیچ اشاره به خبر تحصن چند تن از ایرانیان در برلین، در خبری سفیر آلمان در تهران را به اقدامات غیر قانونی و سوال برانگیز که « با مأموریت یک جاسوس و عامل خارجی برای ایجاد آشوب در کشور شباهت دارد» متهم کرده، وی را « عنصر نامطلوب» خوانده و از وزارت خارجه خواستار اخراج وی شده است.

این روزنامه ادعا می کند که سفیر آلمان چند روز قبل در پی دستوری که از خاویر سولانا دریافت کرده با یکی از اعضای هسته مرکزی اصلاح طلبان تماس گرفته و او را از تصمیم پارلمان آلمان برای اعلام حمایت از متحصنین با خبر کرده است. این روزنامه در پایان خبر خود همان لحن تهدید آمیزی را که گاه نسبت به مخالفان داخل کشور می گیرد، نسبت به سفیر آلمان گرفته و ظاهراً خطاب به وزارت خارجه نوشته است « آیا احتمال نمی دهید این دیپلمات متخلف و آشوبگر در جریان فعالیت های غیر قانونی خود با برخورد غیرتمندانه کسانی رو به رو شود که حضور آشوبگران مخصوصاً از نوع خارجی آن را بر نمی تابند؟».

روزنامه جمهوری اسلامی نیز سرمقاله امروز خود را به قطعنامه اتحادیه اروپا درباره انتخابات مجلس ایران اختصاص داده و با نقل پاره‌هایی از آن نوشته است اتخاذ چنین مواضع و به کار بردن چنین واژه‌هایی در قبال انتخابات مجلس که قاعده‌تاً یک امر داخلی است، دخالت آشکار و وقیحانه در امور جمهوری اسلامی ایران است و باید سفرای آنها احضار شوند و این قطعنامه مداخله جویانه را پس بگیرند.

روزنامه شرق مقاومت نمایندگان مجلس را در پیگیری رد صلاحیت‌ها، بی‌سابقه‌ترین چالش سیاسی در طول دو دهه اخیر در عرصه قدرت ایران خوانده، اما کیهان از قول حسین نوش‌آبادی نماینده مردم ورامین نوشته است مردم ایران به نمایندگان متحصن فهمانند که از حرکت‌های افراطی حمایت نمی‌کنند.

شرق در گزارش انتخاباتی خود یاد آور شده است که خواسته اصلاح‌طلبان اکنون تنها تأیید صلاحیت کاندیداها نیست بلکه آنان تأکید می‌کنند که این عمل باید در زمانی مناسب صورت گیرد تا کاندیداها فرصت کار انتخاباتی و تبلیغی نیز بیابند.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است متحصنین پس از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌هایشان، حرکت دیگری را در زمینه به تعویق انداختن انتخابات با همکاری وزارت کشور آغاز کرده‌اند. به نوشته این روزنامه از روز گذشته رایزنی‌هایی با مدیران اجرایی انتخابات برای به تعویق انداختن انتخابات و ایجاد وضعیت بحرانی در کشور آغاز شده که از جمله آنها می‌توان به استعفای استانداران و فرمانداران اشاره کرد. و سرانجام آنکه روزنامه‌های ایران و اعتماد نوشته‌اند دیوان عدالت اداری، بند 4 ماده 169 آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها درباره نگهداری زندانیان به صورت انفرادی جهت تنبیه انضباطی را خلاف قانون شناخته و ابطال کرده است. یک ماه پیش هاشمی‌شاهرودی رییس قوه قضاییه اعلام کرده بود که در توسعه قضایی ایران جایی برای زندان انفرادی نیست.

زلزله بم- فاجعه ملی

بم ، یکپارچه فریاد خشم و انتقام

گزارش ده روزه از سفر اتحادیه دانشجویان مبارز در مشهد به شهرستان بم
اتحادیه دانشجویان مبارز در مشهد

ده روز در بم بودیم و اکنون با کوله باری از غم و اندوه و خشم فرو خفته به مشهد بازگشتیم . دست به قلم بردن و نوشتن گزارش دیگر کار ساده‌ای نیست . فقط کسی که در بم باشد و کمی از انسانیت و بشر دوستی در وجودش باشد می‌فهمد که ما چه می‌گوییم . این گزارش را می‌نویسم . گرچه می‌دانم مانند هزاران گزارش دیگر، میلیون‌ها نفر آنرا نخواهند خواند و از آن بی‌خبر خواهند ماند. گرچه می‌دانم اگر عده‌ای هم حوصله کنند و رنجنامه بم را بخوانند ، در نهایت فرقی برایشان نخواهد کرد. در شرایطی گزارشم را می‌نویسم که بازیهایی مسخره انتخاباتی رژیم اسلامی شروع شده و همه زندگی عادی و فلاکت بار خود را دنبال می‌کنند و سیاسیون مخالف رژیم به طرز کودکانه‌ای تحت تأثیر جو تبلیغاتی رژیم به دنبال بازیهایی آنها هستند . با این وجود برای تو می‌نویسم ، برای تو یک نفری که شاید اتفاقی و از سر بی‌حوصلگی این گزارش را می‌خوانی .

خبر زلزله بم باعث شد که برای ثبت نام به عنوان داوطلب به سازمان جوانان هلال احمر مراجعه کنیم. از همان روز اول برخورد بدی با ما و دیگر متقاضیان داوطلبی کردند. می‌گفتند ما فقط کسانی می‌فرستیم که خودمان می‌شناسیم. می‌گفتند حراست باید نیروهای اعزامی را تأیید کند. می‌گفتند اصلاً نیرو لازم نداریم. نیرو زیاد است . در اخبار سیمای لاریجانی و روزنامه‌های اصلاح طلب و محافظه کار نیز چیزی بیشتر از این چرندیات گفته نمی‌شد . مرتب می‌گفتند الان بم ترافیک شده چون مردم همه در آنجا هجوم آورده‌اند. نیروی انسانی و کمک‌های کالایی مردم آنقدر در بم زیاد است که به هیچ چیز احتیاج نیست و تازه داوطلبین و حتی پرسنل رسمی را سازمانهای دولتی را بر می‌گردانند . اخبار کاملاً امیدوارکننده و خوشبینانه از ارسال کمک‌های خارجی و مردمی به بم شنیده می‌شد که البته ایرانیان ساده دل و ساده لوح نیز به راحتی آنرا باور کردند.

ولی ما به این دست مزخرفات رژیم اسلامی گوش نکردیم و بدون توجه به نصیحت‌های کودکانه خانواده‌های خود راهی بم شدیم .

برخلاف اخبار منتشرشده توسط سیماي لاریجاني و دیگر رسانه های رژیم اسلامی هیچ ترافیکی سنگینی در جاده کرمان به بم مشاهده نشد . در جاده البته تعدادی کامیون حامل مواد غذایی و بطری های آب و لباس و پتو دیده می شد . ولی از صف طولانی خودروهای کمک رسانی خبری نبود. جاده ورودی به شهر بم گویای همه چیز است . اکنون به شهر بم ، شهر فروریخته و فاجعه دیده بم رسیدیم . از ابتدای ورود همه چیز نشان از عمق خرابی و فاجعه است . ساختمانها به کلی ویران شده . زخمیها کنار خیابان پراکنده و سرگردانند. صدای شیون و ناله از هر طرف به گوش می رسد. از بی برنامگی و عدم هماهنگی و حتی نبود کوچکترین نظم هر چه گفته شود کم است . آنقدر این شهر به هم ریخته که حتی آمبولانسها هم تصادف می کنند . از ابتدای ورود به شهر با فضای پر از گرد و خاک و بوی تعفن و خون مواجه می شویم . اینجا بم است . شهر زلزله زده بم . باید اینجا باشی تا بفهمی چه خبر است . به میدان ارگ می رسیم . از اینجا به بعد تعداد زیادی مأمور نیروی انتظامی را می بینیم که ماسک به صورت زده و با چهره های بهت زده با وجود داشتن اسلحه ، ترس و وحشت را می توان در چهره هایشان دید. اینها سربازان وظیفه هستند. مأموران کادری کمابیش در خودروهای لندکروز در خیابانها پرسه می زنند . اولین جایی که توقف می کنیم ، میدان 17 شهریور معروف به میدان فرمانداری است . ساختمان فرمانداری شهر در حاشیه این میدان واقع بود که امروز فقط ویرانه ای از آن باقی است . ظاهراً سگهای زنده یاب سوئیسی توانسته اند در اطراف این ویرانه ، تعدادی زنده را در زیر آوار تشخیص دهند. تنها یک لودر مشغول جابجا کردن آوار است . چند دستگاه تلفن عمومی در حاشیه میدان نصب شده که می توان به صورت رایگان با شهرهای مختلف کشور تماس گرفت . اما بلافاصله این تلفنها نیز از کار می افتد. به مرکز مخابراتی بم واقع در نزدیکی میدان سرداران شهید می رویم . اینجا نیز تعدادی تلفن عمومی نصب شده که صفی از جمعیت جلوی آن منتظر تماس گرفتن هستند. خطوط تلفن و مخابرات از روز یکشنبه هفت دی در بم توسط فرانسوی ها راه افتاد . معلوم است که مخابرات رژیم اسلامی از این عرضه ها ندارد . درمانگاه سیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد جنب مرکز مخابراتی بم مستقر شده . یک درمانگاه کثیف و آلوده که اگر حتی انسان سالم را به آنجا ببرند دچار بیماری می شود. بیماران سرگردان منتظر هستند که حداقل یک پرستار یا بهیار به آنها رسیدگی کند. یک نفر با دست و پای شکسته را که از زیر آوار بیرون کشیده شده ، از آمبولانس هلال احمر به درمانگاه سیار منتقل می کنند. بیمار در حال آه و ناله روی بلانکاد است . به امدادگران می گویند اینجا شلوع است و پزشک نداریم ، مریض را به جای دیگر منتقل کنید. معلوم نیست زخمیها با آن حال وخیم باید به چند درمانگاه مراجعه کنند تا بالاخره یکی آنها را پذیرش کند.

خامنه ای و خاتمی به بم آمدند. آنها با چه تمهیدات امنیتی !!! دوساعت با هلیکوپتر روی شهر چرخیدند . هلیکوپتر هر دوی آنها در محل سخنرانی در نزدیکی میدان فرمانداری نشست . یک ساعت با تمهیدات امنیتی در این مکان سخنرانی کردند و دوباره با هلیکوپتر برگشتند. آنها حتی جرعت نکردند با اتومبیل به همراه محافظها و پاسداران خود بین مردم بم بیایند تا شهر را از نزدیک ببینند تا بدبختی و فاجعه ای را که رژیم اسلامی باعثش بوده ببینند. محمدرضا شاه و فرح وقتی در شهریورماه 1357 به منطقه زلزله زده طیس سفر کردند . واقعاً به درون شهر آمدند تا با یک حرکت تبلیغاتی به ظاهر با مردم طیس اعلام همدردی کنند که با واکنش انقلابی مردم در آن زمان روبرو شدند و با فحش و شعار و سنگ مردم آنها را بدرقه کردند. اگر مقام مزخرف رهبری و رئیس جمهور فاشیست اسلامی جرعت می کردند و با همان پاسدار واسلحه و محافظ و اتومبیل های ضد گلوله خود به درون شهر می آمدند، مردم خشمگین بم مطمئناً نمی گذاشتند آنها زنده از بم خارج شوند. البته مقام مزخرف رهبری و نوکر کاسه لیسش خاتمی فاشیست این مساله را به خوبی می دانستند . به همین خاطر آنها با هلیکوپترشان آمدند و رفتند

ستاد معین استان خراسان ، هلال احمر : اینجا قبلاً پارک توریستی و تفریحی مقابل بنای ارگ بم بوده ولی اکنون قرارگاه هلال احمر خراسان در آنجا واقع است . جلوی در ستاد جمعیت زیادی ایستاده . همه برای گرفتن پتو و چادر و غذا و آب و غیره به اینجا آمده اند . پیر زنی شیون می کند که هیچ چیز ندارد. مادری با تنها فرزندنش که از زلزله جان سالم به در برده ، پدرها و مادرها ، بچه های کوچک و جوانان ، بعضی زخمی با سر باندپیچی شده ، بعضی ظاهراً سالم ولی کثیف و بالباسهای پاره و بدون کفش جلوی در ستاد التماس کنان در خواست غذا و پتو می کنند . وارد ستاد می شویم . خوشبختانه تعدادی از بچه های آشنا را در آنجا ملاقات می کنیم . تعداد زیادی چادر در اینجا بر پا شده و محل اسکان و خواب ماهم در این چادرها ست . البته تبعیض آمیز است . چون چادر های ما خیلی بهتر و بزرگتر از چادر هایی است که به مردم می دهند . در هر چادر اقلاً یک لامپ روشن وجود دارد . به ازای هر نفر داوطلب دو یا سه پتو نیز است . ولی با وجود والور های نو و بزرگ در چادر ، باز هم اینجا شبها سرد است .

به محض ورود متوجه می شویم که بچه های ما بیشتر کارها را در دست گرفته اند و خوشبختانه اینجا از کاغذ بازی های مسخره و کارهای قانونی خبری نیست . اینجا هم باید قانون شکنی کرد تا بتوان کاری را نسبتاً موفق انجام داد . مسئولین هیچ کنترلی روی ما ندارند . شروع کار ما با بار کردن یک وانت از چادر و پتو و موکت آغاز شد . البته از امروز به بعد تقریباً همیشه کار ما همین بود . خیابانهای

ابوذر ، خیابان خیام ، سید طاهرالدین ، و کلا منطقه 1 که حوزه کاری ستاد خراسان بود ، تحت پوشش بچه های ما قرار گرفت . کار ما تقریباً از اول صبح تا نیمه شب این بود که هر چه جنس در انبار بود می بردیم و بین مردم تقسیم می کردیم . کسانی بودند که چهار روز کنار آتش و بدون هیچ امکاناتی کنار خیابان می خوابیدند . هر موقع وانت یا کامیون ما با کالاهای کمک های مردمی به کوچه و خیابانها اعزام می شد ، مردم به سمت ما هجوم می آوردند و با التماس از ما طلب غذا و دارو و پتو و غیره می کردند . باید این صحنه را تجسم کنید که همه چیزتان را از دست دادید . خانه ، تلویزیون ، تخت ، فرش ، وسایل گرمائی ، یخچال ، و خلاصه همه چیز . و تصور کنید که نزدیک ترین کسان و فامیل هایتان را از دست داده اید ، حالا با چنین وضعی باید دنبال وانت های هلال احمر در خیابانها و کوچه ها بدوید و برای يك مقدار لباس و پتو و غذا و چادر التماس کنید . گر چه هر وقت ما به میان مردم می رفتیم با وجود ازدحام جمعیت زیاد و شلوغی از ماشین پیاپی می شدیم و با احترام کالا هارا بین مردم تقسیم می کردیم .

از جمله مواردی که می توان به عنوان افشا گری در مورد جمعیت هلال احمر (همان هلال احمر سابق) بیان کرد ، تناقض صحبت های مسئولین با واقعیت های موجود در بم بود .

کمک های مردمی : انصافاً مردم ایران و مردم کشورهای جهان کمک های فراوانی به زلزله زدگان بم کردند . البته غیر از این هم کمکی نبود . این مردم بودند که به داد مردم رسیدند . ما که در بم بودیم چیزی از طرف دولت ندیدیم . هر چه بود کمک های مردمی بود . اما دکتر نور بالا رئیس کل هلال احمر کشور در روز یکشنبه 7 دی یعنی دو روز بعد از زلزله ادعا کرد که دیگر به کمک های جنسی مردم نیازی نیست و انبارهای هلال احمر در کل کشور پر شده و جا ندارد و از مردم خواست که از این به بعد کمک های نقدی خود را به نهاد های رژیم برسانند . البته تا حدودی هم این حرف درست است . زیرا آنقدر مردم کمک رسانی کردند که اگر همه این کمک ها بین مردم بم توزیع شود ، برای يك سال آنها کافی است . اما اینجا در بم اوضاع کاملاً بر عکس بود . کمک های مردمی خیلی دیر به دیر اینجا می رسید . اغلب هم نمی رسید . همیشه در انبار ستاد ما با کمبود مواجه بودیم . به خیلی ها پتو نمی رسید . خیلی ها باید مدتها صبر می کردند تا شاید يك چادر به آنها برسد . در هر چادر سه یا چهار خانواده زندگی می کردند . آنقدر کمبود بود که مثلاً در خیلی از چادر ها ده یا دوازده نفر می خوابیدند و شاید به کل آنها فقط سه پتو رسیده بود . شبهای سرد بم را فقط کسی که در آنجا باشد می فهمد که چقدر غیر قابل تحمل است . آنقدر امکانات کم بود که باید با يك وانت قدیمی به مردم کمک رسانی می کردیم . اینجا اصلاً ما قانونی عمل نمی کنیم . کاغذ بازی های اداری اینجامفهومی ندارد . ما هر بار انبار ستاد را غارت می کردیم ، پشت وانت یا کامیون می ریختیم و به میان مردم می بردیم . افسوس که همیشه وقتی به میان مردم می رفتیم شرمند می شدیم . چون همیشه تعداد محدودی جنس و کالا داشتیم که به مردم بدهیم و به خیلی ها نمی رسید . پتو کم بود ، غذا کم بود . لباسها اغلب ، لباسهای کهنه و پاره و غیرقابل استفاده بودند . چادر ، موکت ، والور ، و غیره کم بود . هر بار به هر خیابان یا کوچه ای می رفتیم اگر چیزی گیر مردم می آمد ، شانس آورده بودند . آنقدر فرصت کم بود و باید سریع عمل می کردیم که به تعدادی از مردم کالا می رسید و به تعدادی نمی رسید آنقدر کمک رسانی ضعیف و بد انجام می شد که مامثلاً می دیدیم ، يك منطقه دو روز است که حتی آب خوردن ندارند . چشمهای منتظر و ملتمس مردم به ما ، آتش در دلمان بر پا می کرد . خیابانها و کوچه ها آنقدر آلوده بود که ما باوجود داشتن ماسک به صورت ، تحمل ماندن نداشتیم . حال اینکه مردم بدون ماسک در کنار آوارها زندگی می کردند . چاردهایی که به مردم می دهیم اغلب کهنه است و رو به پارگی .

آمارگیری : مشکل دیگر نبود يك آمار درست و دقیق در مورد شهر است . رژیم اسلامی تا حدی بی عرضه است که حتی نمی داند این شهر قبل از زلزله چه تعداد جمعیت داشته . يك مسئول می گوید نود هزار نفر . يك مسئول می گوید صدو بیست هزار نفر . مسئول دیگر می گوید دویست هزار نفر . از طرف دیگر شهرهایی که روی گسل و روی خط زلزله هستند معلوم است . شهری مثل شهر تهران یا مشهد از جمعیت زیادی برخوردار است . بنابراین آمار گیری از این شهر ها وقت گیر است . ولی شهری مثل شهر بم فقط يك ماه یا کمتر وقت می برد تا از آن آمارگیری به عمل بیاید . اگر ستاد حوادث غیر مترقبه چنین آمار گیری ای از شهر های روی خط زلزله ندارد ، پس با بودجه سالانه دویست میلیارد تومانی برای مقابله و پیش گیری این گونه حوادث چه می کند ؟

مسئله دیگر توجیه احمقانه است که مسئولین رژیم اسلامی و حلال احمر در مورد توزیع کالا و چادر بین مردم می کنند . آنها اشکال اصلی را متوجه روستائیان نرمانشیر و مردم جیرفت می کنند . آنها می گویند تعداد زیادی از کسانی که چادر و پتو و غیره گرفته اند از روستاهای اطراف هستند . اما این ادعای دروغی بیش نیست . در بدترین حالت باید بگوئیم بیست درصد کسانی که چادر یا پتو گرفته اند ، ساکن خود بم نیستند . ببینید تا چه حد مردم ایران فقیر و بدبخت هستند که حاضرند به خاطر گرفتن يك چادر ، دو یا سه روز در سرمای شبانه بم بمانند تا بتوانند يك چادر و یا چند پتو بگیرند . با این وجود هر چقدر هم که چادر یا پتو یا غذا توسط روستائیان اطراف بم رپوده شده باشد ، باز هم کمک های مردمی آنقدر زیاد است که میتوان با آن کل مردم بم و روستاهای اطراف آن را پوشش داد .

اشکال دیگر در آمار گیری این است که ما باید در چنین شرایط بحرانی بعد از زلزله از مردم آمار می‌گرفتیم تا دفترچه خواربار برای آنها صادر کنیم. طریقه آمار گیری به این صورت است که باید در هر خیابان و کوچه به سر خرابه‌ها و ویرانه‌ها برویم تا یک نفر را مثلا به عنوان صاحب آن خانه پیدا کنیم و از او در مورد خودش و خانواده اش برای آمار گیری سوال کنیم. این روش احمقانه ترین روش برای بعد از وقوع فاجعه است. در چنین شرایطی معمولا بیشتر افراد بازمانده از زلزله حاضر نبودند که به سر آوار خود برگردند. معمولا اکثر بازماندگان زلزله چادرهای خود را حداقل پنجاه یا صد متر دورتر از آوار و مکان سابق زندگی خود زده بودند. همه اکثرا از بازگشت به محل قبلی خود وحشت داشتند. در این وضعیت آمار گیری به این شکل یک نوع تحقیقات پلیسی است. انگار که مردم مجرمند و باید ثابت کنند که این جا زندگی می‌کردند. این خود یک بی‌احترامی دیگر به مردم است. در چنین شرایط حساسی که هر کس همه چیزش را از دست داده و هر بازمانده چندین نفر در خانواده خود کشته داده، ما باید دست این بازمانده را می‌گرفتیم و سر آوار خانه اش می‌آوردیم و از او آمار گیری می‌کردیم. از طرفی در هر خانواده تعداد زیادی کشته وجود داشت. هر بازمانده ای اقلا پنج یا ده کشته در خانواده خود داشت. در چنین شرایطی ما باید از هر بازمانده اسم زنده‌ها و کشته‌ها را برای درج در برگه آمار می‌پرسیدیم. هر بار که از هرکس در مورد اسامی کشته‌هایش سوال می‌کردیم بغض آنها می‌ترکید و اشک آنها و ما جاری می‌شد.

مشکل دیگر این بود که اصلا چنین روشی برای آمار گیری بعد از زلزله کارایی نداشت. زیرا در کوچه یا خیابانها تقریبا همه هوای همدیگر را داشتند و همدیگر را تایید می‌کردند. به همین خاطر اگر در این بین کسی غیر ساکن و از روستاهای اطراف همان جا بود، می‌توانست ادعا کند که مثلا فلان خانه که کاملا ویران شده مال اوست و بقیه کسانی که در آن محل بودند نیز او را تایید کنند. بنابراین هر چقدر هم که ما می‌خواستیم دقیق باشیم و مردم را در چنین شرایط حساسی سوال پیچ می‌کردیم و این گونه به آنها بی‌احترامی می‌کردیم، باز هم امکان تقلب به راحتی وجود داشت. اگر برنامه مدونی برای امداد رسانی و کمک رسانی به مردم در شهرهای روی خط زلزله از مدتها قبل وجود می‌داشت و همه چیز از قبل برنامه ریزی شده بود و نهادها و سازمانهای مشخصی برای مقابله با حوادث غیر مترقبه وجود می‌داشت که آمادگی این گونه موقعیتهای را می‌داشتند، اکنون با این مشکل مواجه نمی‌شدیم. از طرفی تعداد نیروی انسانی کم بود. آنقدر که خود ما مجبور بودیم از صبح تا 12 یا 1 نیمه شب هم کار آمارگیری انجام دهیم و هم کار توزیع کالا.

مشکل دیگر آمار گیری این بود که خیلی از مردم که در اثر زلزله زخمی شده بودند به بیمارستانهای کرمان و شهرهای دیگر انتقال پیدا کرده بودند. اما به علت نبود هماهنگی و برنامه ریزی بیماراران و مصدومین زلزله پس از مدت کوتاهی از بیمارستان ترخیص می‌شدند، ولی هیچ نهادی حتی بهزیستی آنها را تحت پوشش حمایتی خود قرار نمی‌داد. به همین خاطر ما دریم با تعداد زیادی از مردمی رو به رو می‌شدیم که در لیست آمار می‌نمودند. چون مثلا 4 یا 5 روز در بیمارستان کرمان بستری بودند و حالا آنها را به بمر برگرداند. با وجودی که مثلا یک راسته از خیابان یا کوچه‌هایش را پوشش داده بودیم ولی باز می‌دیدیم، عده ای تازه آمدند و آتش کوچکی روشن کردند و منتظر یک چادر هستند. وقتی از آنها تحقیق می‌کردیم متوجه می‌شدیم مثلا عده ای حتی از بیمارستانهای تهران ترخیص شدند و بدون هیچ گونه حمایتی آنها را به بمر برگرداندند. با حال بیمار و زخمهای التیام نیافته، باید یا پشت درهای ستاد های هلال احمر یا کنار خرابه‌ها یا ویرانه‌ها منتظر گرفتن یک چادر برای داشتن یک سر پناه، مدتها صبر کردن!!! واقعا غیر قابل تصور است. حتی ما که در آنجا بودیم نتوانستیم کاملا حال و وضعیت آنها را درک کنیم.

تبعیض و تضادهای طبقاتی در بمر: تبعیض را می‌توان در همین قرارگاههای هلال احمر در شهر بمر دید. داوطلبان باید شبها در چادر می‌خابیدند و مسئولین شبها در کانکس و کانتینر. در هر چادر در قرارگاه تعداد 8 یا 10 یا حتی 15 نفر داوطلب می‌خوابیدند. اما اغلب مسئولین در ساختمانهای ویران نشده مثل سوله‌های ورزشگاهها. البته اغلب مسئولین هلال احمر در خود شهر بمر حضور نداشتند، بلکه در ارگ جدید که بیست کیلومتر با خود شهر بمر فاصله دارد اقامت داشتند. ارگ جدید کاملا سالم است و از خسارات زلزله شهر بمر در امان مانده. داوطلبین مثل ما باید برای گرفتن صبحانه یا نهار یا شام رقابت می‌کردند و مثلا بارها پیش آمد که تعدادی از بچه‌ها به علت اینکه در منطقه و محل تحت پوشششان مشغول کمک رسانی به مردم بودند، دیر به محل قرارگاه می‌رسیدند و از شام بی‌بهره می‌ماندند. غذای داوطلبین همان چیزی بود که به مردم می‌دادیم. تن ماهی، کنسرو لوبیا و ... اما آشپزخانه کمیته امداد برای مسئولین و کارمندان ماموریتی غذای گرم می‌داد. شبها با وجود اینکه دو یا سه پتو استفاده می‌کردیم تا صبح در چادر می‌لرزیدیم. اما کارمندان و مسئولین در کانکسها از گرمای کافی برخوردار بودند. حال ببینید وقتی بین مسئولین و کارمندان با داوطلبان و اعضای هلال احمر تا این حد تبعیض است، این مسئولین چه برخوردی با خود مردم خواهند داشت.

اما تضاد طبقاتی اینجاست مشهود بود . کسانی که پول داشتند و از طبقات مرفه بودند ، خانه های محکم تری داشتند . گرچه حتی ساختمانهای آجری و اسکلت فلزی نیز در بم آسیب دیده بود و غیر قابل سکونت بود . اما میزان تخریب خانه های قشر مرفح کمتر بود و آنها توانسته بودند بسیاری از اسباب و وسایل خود را از زیر آوار سالم بیرون بکشند . بنای خشتی که اکثریت قریب به اتفاق ساختمانهای شهر بم را تشکیل می داد به طور صد در صد ویران شده بود و بیشترین کشته هم از همین بناها بود . اما بناهای اسکلت فلزی و آجری بین 50 تا 70 درصد تخریب شده بود که البته این نشان از غیر استاندارد بودن آنهاست . اما این ساختمانها تعداد کشته کمتری داده بودند و به علت کمتر بودن میزان تخریب خیلی از وسایل این خانه ها نیز سالم مانده بود . در شهر بم کلا تعداد محدودی ساختمان دولتی از قبیل ساختمانهای نوساز ادارات مخابرات ، ساختمان جهان گردی ، ساختمانهای بانکهای نوساز ، و چند سوله ورزشی فرو نریخته بود که آنها هم به علت نداشتن استاندارد ، ترک های جدی در بنای ساختمان داشتند . البته در کشور جهان سومی و عقب مانده ایران کاملا طبیعی است .

اما اینجا هم طبقات محروم بودند که بیشتر له می شدند وهمیشه این طبقات بالا و سرمایه داران بودند که جان سالم به در می بردند . هر کس سرمایه ای و پولی بیرون از شهر بم داشت فوراً کامیون و تریلی کرایه می کرد و اسباب و وسایلیش را بار میزد و به کرمان یا به شهرهای دیگر می رفت . اینجا حتی لودرها هم می شد کرایه کرد . پولدارها و سرمایه داران لودرها را برای منازل تخریب شده خود کرایه می کردند ، حتی کارگر می گرفتند تا وسایل خود را از زیر آوار بیرون بکشند . تلویزیون 24 اینچ سونی ، کامپیوتر ، کمد و میلمان شیک ایتالیایی ، اتومبیل پژو 206 که فقط بدنه آن آسیب دیده بود ، حتی گاو صندوق ، مقدار زیادی طلا و جواهرات و از این قبیل جلوی چشم خود ما از زیر آوار خانه های سرمایه داران در می آمد . آنها که پول و سرمایه داشتند به سرعت وسایل خود را جمع می کردند و از شهر بم می رفتند . عده ای هم که موقتا مانده بودند ، به این علت بود که میخواستند وسایل گران بهای خود را از زیر آوار در بیاورند . این عده حتی برای خودشان چادری بزرگ و نداشتند . اما اکثریت مردم بم که از طبقه محروم و فرو دست هستند و جایی در شهر کرمان یا شهرهای دیگر برای زندگی ندارند ، باید در همان بم می ماندند ، باید اگر چادری به آنها رسیده باشد در همان چادرهای کهنه و سرد هلال احمر بخواهند . باید در همین شهر ویران بمانند و منتظر باشند تا شاید بخشی از این کمک های خارجی به آنها برسد و شاید به کمک مردم دنیا روزی دوباره در حتی یک خانه کوچک و محقر در بم زندگی کنند . گرچه بعید به نظر می رسد یا دزدی هایی که جمهوری اسلامی از کمک های مردمی ایران و خارجی ها کرده و با بی عرضه گی مسئولین جمهوری اسلامی ، بم بتواند بم سابق شود چه برسد به این شعارها و گنده دماغی های مسئولین رژیم اسلامی که می گویند بم را محکم تر و بهتر خواهیم ساخت .

رحمات و کارهای مسئولین رژیم اسلامی !!! : در مورد این بخش هر چه بگویم کم گفتیم . قبل از اینکه به بم سفر کنیم در تلویزیون و اخبار مدام می گفتند که چه کمک ها که به دست مردم بم می رسد و مسئولین شبانه روزی کار می کنند ، لودرهای جهاد سازندگی و بسیج و وزارت صنایع سه شیفته و شبانه روزی مشغول کار آوار برداری هستند و حتی کار بازسازی بم نیز آغاز شده . جالب بود که این سخنان رادرسر دوز بعد از زلزله می گفتند . اما واقعیتی که ما در بم دیدیم چیز دیگری بود . شب اول ورودمان به بم وقتی حدود ساعت هشت شب دیدیم لودرها در کنار خیابانها پارک شده و هیچ کاری نمی کنند و راننده ای پشت آنها نیست کمی تعجب کردیم . اما دوستان دیگر ما که قبل از ما در بم حاضر بودند گفتند که کاملا طبیعی است و کم کم واقعیتهای بیشتری برایتان آشکار خواهد شد . صبح روز بعد این واقعیت برایمان آشکار تر شد . در واقع هر روز و هر شب می دیدیم که لودرها و کامیونهای که جلوی ستاد هلال احمر خراسان پارک شده حتی از جای خودتکان هم نمی خورند . در سطح شهر و خیابانها آن هم فقط صبحها تعدادی لودر و کامیون را میدیدیم که به کنده مشغول آوار برداری هستند . خنده دار است که می گفتند کار بازسازی هم شروع شده . گرچه همان طور که گفتیم طبقه سرمایه دار همیشه فرصت طلب است و به موقع سر آوارهای خود حاضر میشدند و لودرها را به سمت آوارهای خود هدایت می کنند تا بتوانند هر چه زودتر وسایل خود را بیرون بکشند و باوسایل خود از شهر خارج شوند .

یکی دیگر از افاضات و الطاف جمهوری اسلامی به مردم محروم و فاجعه دیده بم گرفتن مراسم شب هفت برای قربانیان زلزله بم بود . سرتاسر شهر بم تعدادی از وانت نیسانهای نیروی مقاومت بسیج و سپاه با بلندگو در خیابانها تردد می کردند و به مردم اعلام می کردند که قرار است مراسم شب هفت قربانیان زلزله با مداحی آهنگران و یکی دو تایی دیگر از همپالگی های مداح مسخره خودشان در بم برگزار می شود . در چنین شرایطی که مردم همه صبح و شب به یاد نزدیکانشان و به خاطر بدبختی و فلاکت خودشان گریه می کنند ، واقعا هنر می خواهد که سگ دربار رژیم اسلامی چون آهنگران با آن صدای مزخرفش بتواند مردم را بگریاند . اصلا اینها کاری به غیر از افسرده کردن و ناراحت تر کردن مردم بلد نیستند . به جای اینکه به مردم باز مانده از زلزله بم روحیه دهند ، بیشتر، آنها را درخود و بدبختی خود غرق می کنند .

خدمت و لطف شایان دیگر رژیم اسلامی ، فرستادن صادرات آخوند از مشهد و قم به شهر زلزله زده بم بود . کار و تلاش طاقت فرسای این آخوند ها این بود که چشم اجساد را ببندند ، نماز میتی برایش بخوانند و بادعایی از مفاتیح الجنان جسد را به خاک بسپارند . زیرا زنده ها و انسانهای زنده از دیدگاه دین مبین اسلام ارزشی ندارد . دنیا دور فانی است و زلزله هم از الطاف و برکات و آزمایشهای الهی است . بنابراین کسانی که زنده ماندند اهمیتی ندارند . چون دنیا دوست و جهنمی هستند . این مرده ها هستند که باید مورد لطف حضرات آخوند قرار گیرند . اصلاً مگر می شود مرده ای را بدون آیه ای از قرآن و نماز میت و دعا های مفاتیح الجنان دفن کرد .

البته برای اینکه زنده ها و بازمانده های زلزله از فرط عصبانیت سر به شورش نگذارند و خدای اسلام را شاکر باشند که چنین بلائی سرشان آورده و به قول آخوند ها به تقدیر الهی خودشان تن دهند و لب از اعتراض و ناشکرگی فرو بندند ، بسیج و سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی و کانون پرورش فکری کودکان و آموزش و پرورش ، تعداد زیادی تعداد قرآن و کتابهای ادعیه و کتابهای آموزشهای اسلامی برای کودکان بین مردم آن هم به صورت رایگان پخش کردند . البته شاید توی خواننده درک نکنی که کتاب داستانهای امامان برای کودکان بمی چقدر می تواند مفید باشد . قرآن و مفاتیح الجنان چقدر می تواند برای مردم فاجعه دیده بم مفید باشد . آنها می توانند دوباره به خدا رو بیاورند تا دوباره خدا عصبانی نشود و قهرش نگیرد تا بقیه مردم بدبخت بم را قتل عام کند. اگر نمیدانید علت زلزله بم را ، پس اکنون بدانید . یکی از افاضات نماینده ولی فقیه در بم این بود که چون مردم بم به خدا و اسلام پشت کرده بودند و به خدا فحش میدادند دچار این بلا شده بودند . البته بعید به نظر می رسد که باز ماندگان زلزله بم هنوز ادب شده باشند . چون شیهای کویر سرد است و ممکن است کتابهای قرآن و دعا و کتابهای داستانهای امامان برای کودکان اشتباهاً برای روشن کردن آتش بکار رود . البته کاغذی هم که برای چاپ قرآن بکار می رود کاغذ خوب و مرغوبی است و در آتش بمی ها خوب می سوزد .

الطاف و زحمات شبانه روزی رژیم اسلامی مسلماً خیلی بیشتر از این مواردی است که ما به آن اشاره کردیم . ولی مهمترین کمکهای رژیم جمهوری اسلامی به مردم زلزله زده بم همین ها بود که گفتیم .

خدمات رسانی سیستم درمان ایران و کشورهای خارجی در بم : فرصتی پیش آمد تا در بیمارستان آمریکاییها و کمپ صلیب سرخ هم به عنوان داوطلب کار کنیم . موارد بسیاری پیش می آمد که می توانستیم بین سیستم بهداشتی ایران و کشورهای خارجی مقایسه کنیم . مصدومان و بیماران زیادی به کمپ صیب سرخ و بیمارستان آمریکاییها مراجعه می کردند . بسیاری از آنها به توصیه پزشکان ایرانی به آنجا می آمدند. مثلاً مصدومی بود که بر اثر زلزله در سه جای پایش شکستگی داشت و بیمارستان امام که ظاهراً بهترین و سالم ترین بیمارستان باقیمانده بم بود فقط پای او را پانسمان و باند پیچی کرده بود . ولی در بیمارستان آمریکاییها از پای او عکس رادیولوژی گرفتند و پای او را گچ گرفتند .

به علت سرما و بی سرپناهی مردم بم و آلودگی محیط و بوی تعفن باقی ماند از اجساد ، بسیاری از مردم دچار عفونت های مختلف شده بودند . نبود آب کافی و سالم و کنسرو های از تاریخ گذشته نیز مردم را دچار بیماریها و عفونت های کلیوی و روده و معده کرده بود . اغلب بیماران هنگامی که به درمانگاه های سیار هلال احمر یا دانشگاه های علوم پزشکی یا بقایای بیمارستانهای باقی مانده رجوع می کردند ، به آنها در بیشتر اوقات رسیدگی نمی شد و آنها را حتی معاینه نمی کردند . عده ای هم که معاینه می شدند در وضعیت بسیار اورژانسی بودند که آنها را نیز به علت کمبود دارو و پزشک به بیمارستانهای صحرایی صلیب سرخ می فرستادند .

تفاوت داروهای ساخت ایران با داروهای خارجی نیز مشهود بود . به اعتراف خیلی از دکترهای ایرانی که در کمپ صلیب سرخ مشغول به کار بودند ، دارو هایی که مثلاً آمریکاییها یا فرانسوی ها یا نروژی ها به بیماران و مصدومین میدادند بسیار اثر گذار تر از داروهای ساخت داخل بود . آنتی بیوتیک ، بروفن ، پاراسیتامول و انواع و اقسام داروهای دیگری که توسط دکترهای خارجی و از داروخانه همان بیمارستانهای خارجی تجویز می شد ، بسیار موثر تر و بهتر از داروهای اشغال ایرانی بود . این البته يك نظر سیاسی و شخصی نیست . این حرف به اعتراف دکترها ایرانی مستقر در بیمارستانهای خارجی بود .

اما توضیحاتی هم در مورد خدمات رسانی نیروهای خارجی : بدون کوچکترین اوراق در بخش بهداشت و درمان آمریکاییها بهترین بودند . شکل و طراحی و معماری چادرهای آنها و مکان و نوع قرار گرفتن آنها ، نظم و برنامه ریزی ، تجهیزات پزشکی و مخبراتی و برخورد آنها با بیماران ، بهترین بود . تقریباً روزی دویست بیمار یا مصدوم در بیمارستان صحرایی آمریکاییها پذیرش می شدند . کاملاً با حوصله و احترام به مریض ها رسیدگی می کردند . این گروه از طرف يك سازمان غیر دولتی و از بیمارستانهای بوستون و ماساچوست آمریکا به عنوان داوطلب به بم اعزام شده بودند . گر چه دولت آمریکا و دولت جمهوری اسلامی در ابتدا برای مناسبات پشت پرده سیاسی بین خودشان ، به این گروه داوطلب آمریکایی اجازه اقامت در بم داده بودند . اما چیزی که کاملاً مشهود بود این بود که اغلب کارکنان بیمارستان

آمریکایی مانند ما با دولت آمریکا کاملاً مخالف بودند. در بحث هایی که مثلاً با دکتر گری متخصص اطفال و استاد دانشگاه هاروارد داشتیم او نیز مانند ما به شدت با دولت مذهبی جرج دبلیو بوش و کابینه نظامی بوش مخالف بودند.

نکته دیگر پرکاری و پر انرژی بودن آمریکاییها و کلاً نیروهای خارجی بود. با وجودی که استاندارد کاری 8 ساعت بیشتر نیست و تازه تمامی آنها به صورت داوطلب و بدون حقوق و دستمزد کار می کردند، به علت کمبود نیرو اغلب آنها بین دوازده تا شانزده ساعت در روز کار میکردند. مسئله دیگر کار قشنگ گروهی بین آنها بود. این هم از همان تفاوتهایی است که فرد گرایی با انزوا طلبی و درون گرایی دارد. فرهنگ ایرانی و شرقی يك فرهنگ قبیله ای و همچنین درون گراست. اما فرهنگ غربی با وجود فرد گرایی، کارگروهی و فرهنگ جمعی بسیار قوی دارد. کلیه کادر پزشکی و پرستاری و غیره آمریکاییها همگی به طرز کاملاً زیبا و هماهنگی باهم کار میکردند. صمیمیت و کار گروهی آنها به حدی بود که اصلاً رئیس و مرئوس و رده بندی شغلی در آنجا مطرح نبود. مثلاً دکتر گری متخصص اطفال و استاد دانشگاه هاروارد و یا دکتر کریس ارتوید و استاد دانشگاه ماساچوست در کار گروهی بعضی وقتها جلوی در ورودی و فنیسهای بیمارستان صحرایی می ایستادند و حتی نگاهی هم میدادند. گاهی حتی زیاده های درون چادر را خودشان هم بیرون می بردند. اگر لازم بود حتی سر برانکاد مریض را هم می گرفتند و بیمار را حمل می کردند. هنگام جمع کردن و یا بر پا کردن چادرهای بیمارستان صحرایی یا حمل یا جابجایی وسایل، هیچ فرقی بین دکتر و پرستار و بهیار نبود. همه کمک می کردند.

نکته دیگر همان طور که گفته شد افتضاح بودن سیستم بهداشت و درمان ایران بود. هر روز تعداد زیادی مریض یا مصدوم به بیمارستانهای صحرایی خارجی مراجعه می کردند، در حالی که قبلاً به درمانگاهها و بیمارستانهای سیار هلال احمر مراجعه کرده بودند. در ایران هنگام وضعیت عادی هم بیمارستانها به بیماران خوب سرویس نمی دهند چه برسد به وضعیت بحرانی در بم. مثلاً هر روز تعداد زیادی مصدوم به بیمارستان آمریکاییها مراجعه می کردند که شکستگی داشتند ولی هیچ کس آنها را پذیرش نکرده بود و پزشکان ایرانی فقط محل شکستگی را پانسمان و باند پیچی کرده بودند. موارد دیگری همچون عفونت ریه، گلو درد، مسمومیت، معده درد، عفونت روده و غیره نیز فراوان بود. همگی این بیماران قبلاً به درمانگاههای سیار یا حتی به بیمارستان امام در بم مراجعه کرده بودند ولی به هیچ عنوان درمان نشده بودند. ولی وقتی توسط پزشکان آمریکایی پذیرش می شدند، ممکن بود حتی با وجود امکانات محدود آنها را بستری هم بکنند. مسئله جالبی که وجود داشت ارزش جان و سلامتی انسانها برای نیروهای داوطلب خارجی. در چنین شرایط حساسی و با این امکانات محدود در بیمارستان آمریکاییها در مدت 7 روزی که در بم مستقر بودند، و بچه به دنیا آمد. موارد سوختگی به خصوصی در مورد کودکان در زلزله بسیار اتفاق افتاده بود. بچه ای 7 ساله به بیمارستان آمریکاییها همراه پدرش مراجعه کرده بود. در اثر زلزله آبجوش روی صورتش برگشته بود و نصف صورت و يك چشمش را سوزانده بود. اما يك هفته بعد از زلزله به همین شکل مانده بود و بیمارستانهای ایرانی او را حتی پانسمان نکرده بودند. یا دختری که در اثر زلزله میله ای در چشم چپش فرو رفته بود و باعث زخمی شدن چشمش شده بود. بیمارستانها و پزشکان ایرانی فقط چشم او را پانسمان کرده بودند، در حالی که آن پسر بچه که سوختگی داشت با کمک و هماهنگی آمریکاییها به بیمارستان تهران منتقل شد و آن دختر که دچار آسیب دیدگی چشم شده بود در اتاق جراحی بیمارستان آمریکاییها مورد جراحی قرار گرفته. 3 نوزاد بودند که هر سه مشکل تنفسی داشتند. يك از کودکان که از زیر آوار او را نجات داده بودند، توان نفس کشیدن نداشت. دستگاه تنفسی او به طور کل از کار افتاده بود. اما پزشکان آمریکایی توانسته بودند با دستگاه مخصوصی که پزشکان ایرانی اصلاً تا به حال ندیده بودند این نوزاد 5 ماهه را زنده نگه دارند. زمانی که قرار بود این نوزاد را تحویل هلال احمر دهند تا به بیمارستان کرمان منتقل شود، همگی پرسنل بیمارستان آمریکایی نگران بودند. مرتب تاکید می کردند که با دقت و هر 30 ثانیه میزان تنفس و کار دستگاه توسط پزشکان ایرانی کنترل شود. یکی از مسئولین هلال احمر که قرار بود این نوزاد را تحویل بگیرد با حالت وقیحانه ای گفت:

این همه در زلزله مردند، این یکی هم روش. تفاوت دیدگاه آمریکاییها با مسئولین ایرانی در اینجا بود. جان این نوزاد به حدی برای پرسنل بیمارستان آمریکایی مهم بود که هنگامی که نوزاد را تحویل هلال احمر دادند همه بدون استثنا گریه کردند. البته خوشبختانه با تجهیزات پزشکی آمریکاییها و تأکیدات و حساسیتهایی که نسبت به این نوزاد داشتند، نوزاد را با موفقیت به بیمارستانی در کرمان منتقل شد.

در يك هفته ای که آمریکاییها در بم حضور داشتند مسئولین رژیم اسلامی جهت همان کارهای تبلیغاتی به بم سفر کردند و با تمهیدات امنیتی از بیمارستان آمریکاییها بازدید کردند. کربوبی رئیس مجلس رژیم اسلامی، جمیله کدیور، محسن میردامادی، حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، مشاور استاندار و انواع و اقسام مسئولین رژیم اسلامی از کمپ آمریکاییها بازدید کردند.

البته با هلوکوپتر در زمین خاکی نزدیک بیمارستان صلیب سرخ فرود می آمدند با محافظان و پاسداران خود از بیمارستان های خارجی بازدید می کردند. آنقدر رفت و آمد این مسئولین کثیف اسلامی آزار

دهنده و مزاحم بود که پزشکان آمریکایی به این رفت و آمدها شکای شدند . حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی درست زمانی از بیمارستان آمریکاییها بازدید کرد که 3 بیمار اورژانسی در بیمارستان بودند . هر کدام از این آقایان و خانمهای مسئولین رژیم فاشیستی اسلامی با کلی مشاور و محافظ و خبرنگار صدا و سیما و روزنامه می آمدند و فقط مایه مزاحمت بودند . حضور پی در پی مسئولین کثیف اسلامی در کمپ آمریکاییها فقط مکان بیماران را شلوغ می کرد و جلوی کار دکترهای آمریکایی را می گرفت . گرچه برای مسئولین اسلامی سلامت انسانها اصلا مهم نیست . آنها با این رفت و آمدها می خواستند مانند یک سگ برای ارباب خود یعنی دولت آمریکا دم تکان دهند . البته درگیری بین دو جناح و رقابت هر دو جناح برای رابطه با رژیم آمریکا باعث شد که محافظه کاران که از این رابطه ناکام شدند به آمریکاییها و نیروهای خارجی حاضر در بم تهمت جاسوسی بزنند . با این کار کل برنامه های آمریکاییها نیز تغییر کرد . در حالی که آمریکاییها برای وارد کردن تجهیزات بیشتر برنامه ریزی کرده بودند ، بازیهای کثیف سیاسی دولت آمریکا و دولت ایران باعث شد آنها نتوانند بیشتر در ایران بمانند . دکتر گری یکی از پزشکان آمریکایی روز یکشنبه 14 دی گفته بود که قرار است تا سه شنبه 16 دی ماه تجهیزات پزشکی ، دارو ، چادر و کلا امکانات بیشتری از آمریکا به شهر بم وارد شود . برنامه ای که در ابتدا نیروهای آمریکایی برای کمک رسانی به بم داشتند ، حداقل 3 ماهه بود . قرار بود 16 دی ماه دستگاه MRI و CTSCAN و تعداد زیادی پزشک متخصص و جراح و پرستار به صورت داوطلب از 16 دی وارد بم شوند . اما برخوردی که جمهوری اسلامی با داوطلبان آمریکایی کرد ، غیر قابل توجیه و فاشیستی بود . در واقع به علت مشکلات و حساسیتهای سیاسی داوطلبان آمریکایی را از بم اخراج کردند . در حالی که آنها به بهترین شکلی در مدت همین یک هفته که در بم بودند بسیار خوب و عالی کار کرده بودند . پرسنل داوطلب آمریکایی روز دوشنبه 15 دی ماه بم را ترک کردند . البته انسان دوستی آنها به حدی بود که تمام چادرهای بیمارستان ، تجهیزات پزشکی و هر چه امکانات با خود آورده بودند را همینجا در بم گذاشتند و تحویل بیمارستان صلیب سرخ مستقر در بم دادند . البته قابل پیش بینی بود که نگذارند بهترین نیروی خارجی مستقر در بم یعنی آمریکاییها زیاد اینجا بمانند .

حضور نیروهای اطلاعاتی رژیم و رفت و آمدشان به بیمارستان آمریکاییها در روز های آخر کاملا مشهود بود . بعد از این رفت و آمدهای نیروهای اطلاعاتی رژیم اسلامی بود که آمریکاییها را از بم اخراج کردند .

البته این حساسیت در مورد روزی ها یا فرانسیویا ، آلمانیها و دیگر نیروهای خارجی نیز پیش آمده بود . روزهای اول که جمهوری اسلامی اجازه داده نیروهای امداد رسانی خارجی بدون ویزا به ایران بیایند به دلیل حساسیت شدید مردم و دنیا در آن روزها بود . روزهای اول چنان حساسیت ها زیاد بود که اگر مثلا آریل شارون نخست وزیر اسرائیل هم وارد بم می شد کسی جلوی او را نمی گرفت . اما آرام آرام همه چیز روال اداری و قانونی در بم به خود می گیرد . قانونی که فقط دست و پا گیر و مزاحم است .

دکتر مایکل یکی از مسئولین کمپ بیمارستان روزی به طور سر بسته و خصوصی از مشکلات سیاسی به وجود آمده در مورد خودشان از طرف مقامات ایران اشاره کرد . طی جلسه ای که پزشکان فنلاندی و روزی و همچنین پزشکان فرانسوی و آلمانی داشتند به مشکلات سیاسی پیش آمده از طرف دولت ایران برای آنها اشاره شد و همچنین از عدم همکاری هلال احمر شکایت شد . طی برنامه ای که صلیب سرخ برای شهر بم دارد ، آنها می توانند حد اقل یکسال در بم بمانند . البته به شرط اینکه نظام جمهوری اسلامی پایبند آنها نشود و برای آنها مشکل یا منع قانونی ایجاد نکند .

نیروهای داوطلب و نیروهای کادری و ماموریتی : بزرگترین اختلاف و تبعیض بین نیروهای داوطلب و نیروهای ماموریتی بود .

داوطلبان به بهترین شکل و با احترام به مردم بم امداد رسانی و کمک رسانی می کردند . در تمام مدتی که ما در بم بودیم تقریبا هیچ شبی خواب درست نداشتیم . یا با وانت در شهر و منطقه تحت پوشش خراسان می گشتیم و به مردم لباس و قند و چایی و کنسرو و غیره می دادیم . یا باید شبها در همان ستاد خود مان نگاهبانی میدادیم . امنیت آنقدر افتضاح بود که حتی با وجود نیروی انتظامی از انبار ستاد هلال احمر دزدی می شد . مورد جالبی که پیش آمد این بود که عده ای با لباس نیروی انتظامی و بیسیم و اسلحه و وانت نیروی انتظامی به مدت 3 روز مثلا از ستاد خراسان محافظت می کردند . بعد روز سوم معلوم شد که همه اینها قاچاقچی و دزد هستند و اصلا اهل بم نیستند . حال فکرش را بکنید که تا چه حد نیروی انتظامی بی عرضه است که یک عده می توانند به عنوان نیروی انتظامی با اتومبیل و بیسیم و اسلحه و لباس 3 روز انبار ستاد را خالی کنند و مثلا محافظ ستاد هم باشند . از این رو بچه های داوطلب خود نگاهبانی و محافظت از ستاد را به عهده گرفته بودند .

در مورد کادرها و پرسنلی که به صورت ماموریت از طرف هلال احمر یا دانشگاههای علوم پزشکی یا شهرداری یا استانداری و غیره آمده بودند وضعیت افتضاح بود . پزشکان و نیروهای ماموریتی که به بم اعزام شده بودند ، معمولا از زیر کار در می رفتند . دو ساعت اول صبح مثلا بین ساعت 9 تا 11 صبح همه پزشکان و پرستاران ایرانی در کمپ و بیمارستانهای صحرائی حضور داشتند . در این ساعات حتی

تعداد پزشکان و مترجمان و پرستاران دو برابر تعداد بیماران بود . اما بعد از این دو ساعت تقریباً کمپها خالی از نیروهای ایرانی میشد . پزشکان خارجی مرتب از این مسئله گله می کردند که با وجود اینکه اینها حقوق می گیرند و ماموریتی به اینجا آمدند اصلاً کار نمی کنند .

در تمامی کمپهای صلیب سرخ و بیمارستانهای خارجی تنها چیزی که مشهود بود کار مداوم نیروهای داوطلب خارجی و داوطلبان ایرانی بود . اگر امروز هلال احمر کمی آبرو برایش مانده و مردم بم از هلال احمر تشکر می کنند ، فقط به خاطر کار و تلاش بشر دوستانه بچه های داوطلب است . گرچه منتهی هم سر مردم بم نیست . حتی بچه های داوطلب هم هر کاری کرده باشند برای مردم کم است . مردم بم باید از ما و از دولت و رژیم طلبکار باشند . کاری که ما برای شما نمی ها کردیم از سر لطف نیست . باید کمک کنیم . اگر نکنیم انسان نیستیم .

اما کمک رسانی نیروهای کادری هم کاملاً با نیروهای داوطلب فرق داشت . آنها جور می کردند که مردم کمک رسانی میکردند که انگار مردم چیزی هم به آنها بدهکارند . انگار که به مردم صدقه میدهند .

از بالای وانت یا کامیون حامل کالا ، کنسروهای تن ماهی و لوبیا را پرت می کردند . انگار که جلوی سگ ولگرد یک تکه گوشت میانداختند . این برخوردی بود که هم سپاه و بسیج و هم نیروهای ماموریتی هلال احمر یا مردم می کردند .

اما پیدا کردن و نجات دادن زنده ها از زیر آوار نیز تفاوت نیروهای داوطلب و مردمی را با ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای ماموریتی هلال احمر آشکار کرد . شاید بتوان گفت که تقریباً رژیم اسلامی کاری برای نجات زنده ها از زیر آوار نکرد . اغلب مردم در هر محل که حدس می زدند کسی در جایی زنده است ، آن منطقه یا آوار را با بیل یا حتی دست جابجا می کردند و زنده ها را از زیر آوار نجات می دادند . سگهای زنده باب سوئسی و آلمانی و ایتالیایی نیز تعداد زیادی زنده را توانستند رد یابی کنند و به کمک نیروهای داوطلب خارجی و داوطلبان هلال احمر آنها را از زیر آوار بیرون کشیدند .

کارنامه رژیم اسلامی در مسئله زلزله بم نیز سیاه بود . مانند بقیه کارنامه هایش . رژیم اسلامی با آن ساخت و سازهای غیر استاندارد شهرداریها و وزارت مسکنش در درجه اول مسئله پیشگیری از اینگونه وقایع را در نظر گرفت . در مرحله دوم کار امداد رسانی و کمک رسانی را با بی عرضگی تمام انجام داد . آنقدر بی عرضه که نتوانستند یک شهر کوچک دویست هزار نفری مثل بم را پوشش دهند .

از طرفی بسیار آشکار و عیان بود که این همه کمکهای مردمی و خارجی که برای مردم شده بود سر از بازار سیاه و فروش به کشورهای آسیای میانه در آورد . اگر در شهر بم بگردید حتی یک قوطی کنسرو خارجی یا پنوی خارجی یا چادر خارجی یا لوازم بهداشتی و هر چیز خارجی دیگری را نمی توانید پیدا کنید . مردم بم به ما اعتراض می کردند که "پس کجا رفت این کمکهای خارجی . کجاست این کالاهای خارجی . به ما هر چه رسیده همین کنسروهای تاریخ مصرف گذشته ایرانی است . " البته گه گداری در ساک و چمدان بعضی از مسئولین رده پایین تعداد کمی کنسرو یا غذای آماده یا شکلات آمریکایی یا فرانسوی یا روسی می دیدیم . گرچه احتمالاً مقدار کمی از این کمکها در چمدانهای مسئولین رده پایین بود . ولی مسلماً انبارهای پر هلال احمر منتظر تریلیهای هستند که کالاها و کمک های مردمی را به افغانستان و پاکستان و ترکمنستان و تاجیکستان و غیره صادر کنند .

با این وجود وقاحت و دروغگوئی مسئولین و حاکمان رژیم اسلامی و اربابانشان در کشورهای سرمایه داری غربی زیاد است . نوریالا رئیس کل هلال احمر کشور باکمال پروپی در تلویزیون حاضر می شود و از موفقیتهای چشمگیر هلال احمر و رضایت مردم بم صحبت میکند . اصلاً اگر به این مسئولین باشد ما هیچ وقت مشکل نداریم و همه چیز روی روال است و همه چیز به خوبی پیش می رود و مسئولین هم همیشه همه کار را درست و دقیق و بی اشکال انجام می دهند .

محمد علی کریمی استاندار اصلاح طلب دولت فاشیست خاتمی در تلویزیون حاضر می شود و باکمال وقاحت و دروغگوئی ادعا میکند که : "نیروهای خارجی به صورت سمبلیک به بم آمدند و بیشتر دست و پاگیر بودند تا اینکه کمک کنند . " از طرفی هم از مردم بم می خواهد . " آنهايي که از شهر خارج شدند به شهر برگردند . ما الان هیچ مشکلي نداریم و همه چیز برای زندگی مردم بم فراهم است . " کریمی این استاندار اصلاح طلب رژیم آنقدر وقیح است که حاضر است برای تبلیغات و گنده دماغیها و حمد و سنای مسئولین رژیم اسلامی به مردم دروغ بگوید و مردمی را که از بم گریختند و به شهر های دیگر پناه آوردند رادعوت به باز گشت کند .

وقتی کسانی که در بم حاضرند و در چادرهای کهنه و سرد هلال احمر به سر میبرند باید برای گرفتن غذا و پتو و لوازم بهداشتی التماس کنند و مدتها منتظر باشند تا شاید چیزی نصیبشان شود . وقتی در هر چادر 3 یا 4 خانواده و حدود 7 تا 13 نفر زندگی می کنند و همین بازمانده های مقیم بم را رژیم اسلامی

نمی توانند پوشش دهد ، می خواهد با دعوت از مردمی که از بم گریختند ، فقط بدبختی آنها را بیشتر کند تا مثلا به وجهه و اقتدار رژیم کثیف الله صدمه ای نخورد .

از طرف دیگر در حالی که پرسنل پزشکی و پرستاری خارجی مقیم در صلیب سرخ از عدم همکاری و بی نظمی هلال احمر و نبود امنیت شکایت دارند مسئولین رده بالای صلیب سرخ و سازمان ملل برای خوش آمد رژیم کثیف و فاشیستی اسلامی از هلال احمر و دولت ایران تقدیر می کنند و مدعی می شوند که این نوع کمک رسانی و امداد رسانی در دنیا بی نظیر بود . البته در افتضاح بودن در دنیا ، هلال احمر و وزارت بهداشت و ارتش و سپاه و بسیج جمهوری اسلامی بی نظیر بود .

در پایان باخشم و اندوه فراوان اعلام می کنیم که از مردم بم شرمندیم ، شاید ماهم هر آنچه در توان داشتیم برای شما انجام ندادیم . شاید بعضی وقتها به خاطر خستگی آنطور که باید به شما کمک نکردیم و آنطور که باید به شما احترام نگذاشتیم .

مردم بم باید بدانند که هر آنچه برایشان انجام شده وظیفه انسانی و بشر دوستی ما بوده . اما شما باید از ما و از رژیم اسلامی طلبکار باشید . اگر شما به این فاجعه گرفتار شدید تقصیر رژیم اسلامی است .

اگر بعد از بیش از 20 روز از زلزله هنوز وضعیت شما تغییر نکرده تقصیر رژیم اسلامی است . به خاطر بی عرضگی و نبود مدیریت و به خاطر این است که چادر های نوبی هلال احمر و چادر های نوبی آمریکائی را رژیم به کشورهای دیگر می فروشد . به خاطر این است که کمک های مردمی در انبار های هلال احمر تلمبار شده ولی به شما نمی رسد .

از مردم می خواهیم همانطور که همیشه به فکر هم بودند ، اکنون نیز مردم جهان ، مردم بم را فراموش نکنند . بم نباید فراموش شود .

مردم بم امیدشان به مردم جهان است . چون از مسئولین رژیم اسلامی که هیچ انتظاری نیست . بشر دوستان جهان بم به کمک شما نیاز دارد .

باشد تا روزی شر رژیم فاشیستی اسلامی با همه محافظه کاران و اصلاح طلبانش را از ایران بکنیم . باشد تا روزی پای چوبه دار سران اصلاح طلب و محافظه کار از جمله خامنه ای و خاتمی و کروبی و استانداران اصلاح طلب رژیم پایکوبی کنیم و مرگ آنها را جشن بگیریم . باشد تا فردای رژیم سرمایه داری اسلامی ، رژیمی نوین و انسانی و مقتدر بسازیم تا با برنامه ریزی و پیشگیری دیگر شاهد این مشیتهای الهی از جمله زلزله نباشیم و با زلزله نیز مثل پدیده ای طبیعی و قابل جلوگیری برخورد کنیم ، همانطور که کشورهای پیشرفته چون ژاپن و چین و آمریکا و اروپا با آن برخورد می کنند .

به امید پیروزی انقلاب نوین و مدرن ما علیه

رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی
اتحادیه دانشجویان مبارز در مشهد
mfufont@yahoo.com
2004/1/ 17- 82/10/27

گوناگون

اخبار رادیم آمریکا- ارسالی به وسیله ای میل
سه شنبه 30 دی 1382- 20 ژانویه 2004

در تهران، شورای نگهبان صلاحیت حدود ۲۰۰ کاندیدا را که از شرکت در انتخابات پارلمانی ممنوع ساخته بود، دوباره تأیید کرده است. یک عضو شورا با استناد به دستور العمل آیت اله خامنه ای گفت بازنگری وضعیت کاندیداها ادامه خواهد یافت و صلاحیت دیگران نیز احتمالا تأیید خواهد شد. شورای نگهبان نزدیک به دو هفته پیش، با رد صلاحیت یک سوم ۸۲۰۰ کاندیدای نمایندگی مجلس، یک بحران سیاسی براه انداخت. اکثر کسانی که صلاحیت آنها رد شده، اصلاح طلب تلفی می شوند، حدود ۸۰ نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی از جمله آنها هستند .

پرزیدنت بوش ساعت ۹ امشب به وقت شرق آمریکا، نطق سالانه رئیس جمهوری را در اجلاس مشترک کنگره آمریکا ایراد خواهد کرد، انتظار می رود در آن از تصمیم خود به جنگ با عراق دفاع کند و به بیان ارجحیت های داخلی اش بپردازد. مقامات کاخ سفید می گویند آقای بوش با استفاده از فرصت سعی خواهد کرد توجه عمومی را از رقیبان دمکرات خود به آنچه او در سه سال گذشته به دست آورده است، تغییر دهد. همچنین انتظار می رود پرزیدنت بوش به تصمیم لیبی برای رها کردن جنگ افزارهای غیر قانونی، به عنوان شاهدی بر کارآئی سیاست خارجی دولت خود استناد کند. در این میان، نتایج یک نظر خواهی جدید نشان می دهد که اکثر آمریکائیان از برنامه های داخلی رئیس جمهوری ناراضی هستند.

منابع خبری آمریکا گزارش می دهند که کارشناسان آمریکائی و بریتانیائی برای آغاز کار از بین بردن تکنولوژی و مواد اتمی لیبی به آن کشور رفته اند. گزارش نیویورک تایمز حاکی است که ممکن است آنها ظرف چند هفته وارد عمل شوند. نیویورک تایمز به نقل از یک مقام ارشد دولت بوش می نویسد دانشمندان و کارشناسان تسلیحات شیمیائی لیبی نیز طرح هائی را برای از بین بردن ده ها تن گاز خردل که برای پرکرن بمب های شیمیائی ساخته شد، تهیه می کنند. روز دوشنبه، مقامات آمریکا و بریتانیا موافقت کردند که آژانس بین المللی انرژی اتمی، وابسته به سازمان ملل متحد، کار از بین بردن و جمع آوری مواد و تجهیزات را، که به وسیله کارشناسان آمریکا و بریتانیا انجام خواهد گرفت، تأیید کنند.

یک مقام فلسطینی در غزه می گوید بولدورهای ارتش اسرائیل ۳۰ خانه متعلق به فلسطینیان و یک مسجد را در اردوگاه آوارگان فتح در نزدیکی مرز مصر منهدم کرده اند. به گفته شاهدان، بولدورها و تانک ها در ساعات پیش از سحرگاه سه شنبه وارد اردوگاه شدند، و سربازان پیش از آن که ساختمان ها را در هم بکوبند، به ساکنان آنها اجازه دادند اثاثیه خود را جمع کنند. اسرائیل می گوید از این خانه ها برای حمله به اسرائیلیان استفاده می شد. در این میان، در کرانه غربی، ده ها نفر از یهودیان در یک محله خارج از محدوده، با سربازان اسرائیل درگیر شدند. سربازان بر آن بودند حکم دیوانعالی اسرائیل را برای ویران کردن یک کنیسه چوبی، که در تخلف از دستور دادگاه ساخته شده بود، اجرا کنند.

مقامات نظامی اسرائیل می گویند هواپیماهای جنگی آن کشور به هدف های حزب اله در جنوب لبنان حمله کرده اند. صدای بلند انفجارهائی در دره بقاع شنیده شد، اما در مورد تلفات گزارشی نرسیده است. این حمله پس از آن صورت می گیرد که سببزه جویان حزب اله روز دوشنبه یک سرباز اسرائیلی را در مرز لبنان کشتند. یک افسر ارشد اسرائیل، این واقعه را بسیار جدی نامید و گفت تلافی خواهد شد. سرباز زمانی کشته شد که جنگجویان حزب اله راکتی به سوی بولدورزی که او آنرا برای پاک کردن مواد منفجره در امتداد مرز هدایت می کرد، شلیک کرد. اسرائیل اعتراف کرده است که سرباز هنگام وقوع حادثه، چندین متر به داخل خاک لبنان پیش رفته بود.

در افغانستان، نیروهای آمریکا ادعای مقامات افغان را که در جریان یک حمله هوائی آمریکا در روز یکشنبه ۱۱ غیر نظامی کشته شدند، رد می کنند. یک سخنگوی نظامی آمریکا روز سه شنبه در کابل به خبرنگاران گفت مدرکی وجود ندارد که نشان دهد نیروهای ائتلاف در جریان درگیری در ولایت اوورگان، غیر نظامیان را کشتند. به گفته او، در حالی که سربازان آمریکائی و افغان با شورشیان ضد دولتی درگیر شدند و ۵ تن از آنها را کشتند، هیچ هواپیمائی به کار گرفته نشد. مقامات محلی در اوورگان روز دوشنبه گفتند در حمله هوائی ائتلاف ۱۱ تن، از جمله ۴ کودک در منطقه چار چینو کشته شدند. سخنگوی نظامی آمریکا گفت: چنین اطلاعاتی احتمالا نتیجه تبلیغات بقایای رژیم سابق طالبان است.

ترکیه و پاکستان قول داده اند در نبرد با تروریسم بین المللی نزدیکتر با یکدیگر همکاری کنند. پرویز مشرف، رئیس جمهوری پاکستان، روز سه شنبه در آنکارا در مراسم امضای سلسله توافقی هائی برای نبرد با تروریسم و بزهکاری های سازمان یافته، به احمد نجات سزر، همتای ترک خود پیوست. رهبر ترکیه در کنفرانس خبری مشترکی، توافقی نامه ها را بازتابی از تصمیم دو کشور به نبرد با تروریسم خواند و ژنرال مشرف گفت قراردادهای همکاری علیه تروریسم، امکان مبادله اطلاعات و کارشناسان را فراهم می آورد.

رئیس جمهوری روسیه خواهان همکاری گسترده تر با بانک جهانی شده است و می گوید رشد اقتصادی روسیه به آن اجازه می دهد نقش فعالتری در امور مالی جهانی ایفا کند. ولادیمیر پوتین روز سه شنبه در جریان ملاقات با جیمز ولفنسون، رئیس بانک جهانی، در مسکو، همچنین گفت می خواهد درباره مساله بدهی های عراق بحث کند و افزود: روسیه اینک می تواند در کوشش هائی که برای از بین بردن فقر، از طریق بخشیدن بدهی های کشورهای فقیر تر جریان دارد، فعالانه تر مشارکت کند. انتظار می رود آقای ولفنسون از رهبران روسیه بخواهد اقتصاد کشور را از وابستگی به صادرات نفت دور سازند. وزارت امور خارجه روسیه می گوید: علی رغم دستاوردهای اقتصادی مهم در سالهای

اخیر، روسیه هنوز به کمک بانک جهانی نیاز دارد .

در بغداد و دیگر شهرهای عراق، ده ها هزار نفر از حامیان یک روحانی جوان شیعه راه پیمائی کردند و خواهان اعدام صدام حسین، که اینک در بازداشت آمریکا قرار دارد، شدند. معترضین، مخالفت خود را با تصمیم اخیر آمریکا در رفتار با او به عنوان یک اسیر جنگی ابراز داشتند و به پیشنهاد تشکیل یک نظام حکومتی فدرال در عراق اعتراض کردند. آنها می گویند از آن بیم دارند که چنین نظامی به جای اکثریت شیعه، بیش از اندازه به کردها و مسلمانان اهل تسنن قدرت بدهد. تظاهرات روز سه شنبه به دعوت مقتدا صدر، که از زمان سقوط صدام پیروان زیادی در میان شیعیان جوان به دست آورده است، برپا شده بود .

دولت نیجریه چند ساعت پیش از آغاز یک اعتصاب سراسری، در اعتراض به افزایش بهای نفت و بنزین، اعلام کرد دستور دادگاه را برای تعلیق موقت مالیات جدید بر مواد سوختی اجرا خواهد کرد. بامداد سه شنبه، یک دادگاه تجدید نظر در ابوجا، پایتخت نیجریه، به رهبران اتحادیه کارگری دستور داد اعتصاب سراسری را به تاخیر بیندازند و از دولت خواست اخذ معادل یک سنت مالیات اضافی بر بهای نفت و بنزین را تا رسیدگی به موضوع در روز دوشنبه آینده متوقف سازد. در واکنش به حکم دادگاه، رئیس کنگره کارگری نیجریه گفت اتحادیه ها اعتصاب را تا زمانی که دولت فدرال دستور دادگاه را اجرا نکرده است لغو نخواهند کرد.